

## بررسی جامعه شناختی میزان رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان آذری زبان شهر ارومیه

احمد مهرمند<sup>۱</sup>

حسین اشرفی سلطان احمدی<sup>۲</sup>

بهاره عزیزی نژاد<sup>۳</sup>

علی ماندگار<sup>۴</sup>

۸۸/۱۰/۱۷

تاریخ دریافت:

۸۸/۱۲/۱۵

تاریخ پذیرش:

### چکیده

هدف اصلی این مقاله، بررسی میزان رابطه هویت ملی و قومی در بین جوانان آذری زبان شهر ارومیه می باشد، که میزان پایداری جوانان شهر ارومیه به هویت های اجتماعی (ملی و قومی) نیز مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری این پژوهش متشکل از جوانان آذری زبان شهر ارومیه که در فاصله سنی (۲۰-۳۰) سال قرار دارند می باشد و روش تحقیق از نوع توصیفی - پیمایشی بوده و ابزار اندازه گیری از نوع پرسشنامه با طیف لیکرت (شاخص پنج قسمتی از خیلی ضعیف تا خیلی قوی) می باشد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران؛ ۳۸۰ نفر حاصل شده است. تجزیه و تحلیل داده ها توسط نرم افزار SPSS و با آمار توصیفی و آمار استنباطی (آزمونهای ضریب همبستگی پیرسون، خی دو، آزمون T) انجام گرفته است. فرضیات تحقیق در ارتباط با اینکه جوانان شهر ارومیه تا چه میزان به هویت ملی پایبند هستند و چه میزان از هویت قومی را دارا هستند و چه رابطه ای بین این دو نوع هویت جمعی متصور است می باشد. در این تحقیق برای سنجش میزان هویت ملی از مولفه های آن مانند گرایش به زبان و ادبیات فارسی، میراث فرهنگی ملی، وابستگی ملی، گرایش سیاسی و گرایش دینی استفاده شده است. همچنین برای سنجش میزان هویت قومی از مولفه هایی نظیر گرایش به زبان و ادبیات ترکی، موسیقی ترکی، گرایش به تاریخ قومی و وابستگی قومی استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که جوانان آذری زبان شهر ارومیه در عین گرایش به هویت ملی نسبت به هویت قومی نیز گرایش قوی دارند و بین این دو نوع هویت جمعی، رابطه مثبتی برقرار است. بنابراین

۱- کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی

۲- کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی

۳- دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه ارومیه

۴- کارشناسی روانشناسی

در این تحقیق؛ مهمترین متغیرهای تاثیر گذار را در هر دو جهت تحکیم پیوندهای دیرین همگرایانه و تقویت گرایش های واگرایانه مورد بحث و ارزیابی قرار می دهد.

واژه های کلیدی:

هویت، هویت جمعی، هویت ملی، هویت قومی، هویت ایرانی، هویت ترکی.

Archive of SID



۹۱

بررسی

جامعه‌شناسی

میزان رابطه هویت ملی

و هویت قومی در بین

چوانان آذری زبان شهر ارومیه

یکی از ویژگی های جوامع متکثر، فراهم بودن بستر و زمینه کافی برای رقابت و طرح مطالبات و خواسته های مختلف از جانب گروه های مختلف سیاسی - قومی است که در صورت عدم سامانمندی می تواند به تعارض و گسیختگی اجتماعی منجر شود. مضمون اصلی این مقاله تمایز یافتگی یا تفاوت های درون جامعه و ارتباط آن با وفاق اجتماعی می باشد که یکی از اساسی ترین و در عین حال پر مناقشه ترین و جدال انگیزترین موضوعات جامعه شناسی است که از بدو پیدایش آن تا زمان حاضر بخش بزرگی از کارهای جامعه شناختی را به خود اختصاص داده است. در واقع دو مفهوم فوق یاد آور مجادله نظم گرایان و ستیز گرایان است. مفهوم خرده فرهنگ ها و به ویژه در بعد ضد فرهنگ یا خرده فرهنگ معارض و فرهنگ ناسازگار مورد علاقه ستیز گرایان است. مفهوم وفاق اجتماعی نیز مورد علاقه نظم گرایان، به طور عمده کارکرد گرایان و نظم گرایان کلاسیک است (افروغ، ۱۳۷۹: ۷۳)

نظر به اهمیت هویت قومی در کنار هویت ملی؛ جوامع بشری هر چند همواره دارای نوعی وفاق اجتماعی و انسجام کلی هستند ولی افراد آن از نظر سنی، جنسی، شغلی، نژادی، قومی و مذهبی متفاوت از یکدیگرند و این تفاوت ها باعث ایجاد گروه های اجتماعی متنوع در جوامع می شود بنابراین هر جامعه ای جدا از فرهنگ عام و مورد قبول افراد و گروه های مختلف اجتماعی، برخوردار از خرده فرهنگ هایی متناسب با وضعیت گروهی خود است. از مهمترین وجوه تمایز یافتگی جوامع کنونی که در عرصه های مختلف علوم انسانی از جمله علوم سیاسی، جامعه شناسی و روانشناسی اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفته است، تفاوت های قومی و شکل گیری گروه های قومی و هویت قومی و ارتباط آن با وفاق اجتماعی یا هویت ملی است. در حوزه علوم اجتماعی یکی از رویکرد های مسلط، دلالت بر وجود ارتباط معکوس بین میزان هویت ملی دارد. به این معنی که هر چقدر میزان هویت قومی افراد جامعه بیشتر شود، میزان هویت ملی و وفاق اجتماعی و میزان انطباق آنها با فرهنگ کل کمتر خواهد شد و افزایش هویت های قومی تهدیدی برای وفاق اجتماعی و انسجام کل محسوب می شوند (میر محمدی، ۱۳۷۴: ۷). بنابراین ضرورت دارد مطالعات افزونی در این حوزه انجام گردد. در این مقاله سعی بر این است که رابطه بین هویت ملی و قومی از دیدگاه

دیگری مورد بررسی قرار گیرد، به این معنی که این دو را نه در مقابل هم، بلکه در کنار هم مطرح کرده و در بین جوانان شهرارومیه مورد آزمون قرار دهد، بنابراین تحقیق حاضر در پی پاسخگویی به این سوالات است که جوانان ترک زبان ارومیه به چه میزان به هویت ملی و قومی گرایش دارند؟ و اینکه آیا بین میزان هویت قومی و میزان هویت ملی جوانان آذری زبان ارومیه رابطه ای وجود دارد؟

جهت نیل به پاسخ سوالات فوق، به بررسی یکایک متغیرها می پردازیم. واژه قوم در جوامع مختلف دارای ریشه و بنیان دیرینه است. این واژه بر خلاف مفاهیمی چون ملت و ناسیونالیسم که اصطلاحات نسبتاً جدیدی هستند، در کنار عباراتی چون قبیله طایفه، گروه، تیره و نژاد کاربرد بلند مدت در اطلاق به گروههای انسانی داشته است. لغت نامه دهخدا قوم را گروه مردان و زنان و بویژه گروه مردان می شمارد و قومیت در زبانهای لاتین بعنوان صفت قوم یا قومی از واژه Ethnikos یونانی مشتق می شود. این لغت به مردم یا ملت اشاره داشته است. آنتونی دی اسمیت<sup>۱</sup> که خود از بنیان گذاران دیدگاه نمادپردازی قومی است قوم را چنین تعریف کرده است: جامعه قومی، گروهی اجتماعی است که اعضای آن احساس اشتراک در اصل و ریشه، ادعای تاریخ و سرنوشتی متمایز و مشترک و یک یا چند ویژگی متمایز کننده دارند و احساس یگانگی جمعی و همبستگی می کنند. بنابراین تعریف به معرفی انواع گروههای قومی دوران باستان ارومیه پرداخته می شود که عبارتند از: هوریان، لولوبی ها، کوتیان، ماننا، آشوری ها، اورارتوره، میتانی ها، سکاها.

گروههای قومی فعلی آذربایجان غربی نیز سه دسته اند:

• آذری،

• کرد،

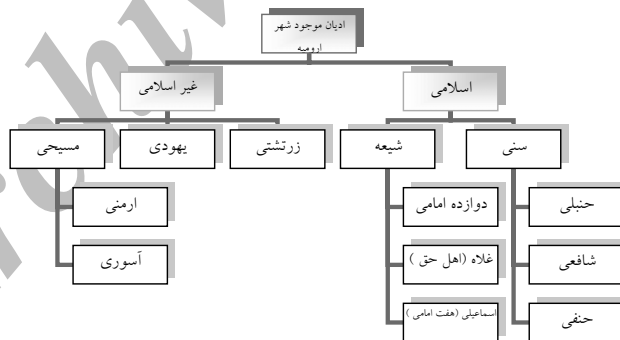
• سایر گروه های مختلط (آشوری، ارمنی و چاردولی).

زبان مادری و زبان رایج اکثر مردم استان، زبان ترکی آذری می باشد. زبان آذری که در گروه بندی امروزی زبان های ترکی، جزو گروه زبان های جنوب غرب محسوب می گردد. دومین زبان رایج استان زبان کردی است و به گروه زبانهای شمالغرب یا جنوب غربی این خانواده تعلق دارد. گرچه تعداد آرامنه و آشوریان در سالهای اخیر در استان کاهش یافته است

ولی هر دو زبان در مدارس ارومیه و آشوریان تدریس می‌شود و کودکان هر دو گروه مسیحی از ابتدای کودکی با زبان مادری خود خواندن و نوشتن را یاد می‌گیرند. زبان ارمنی شاخه‌ای از زبان‌های هند و اروپایی می‌باشد (افشار سیستانی، ۱۳۸۰: ۸۳۴-۸۱۸).

دین نیز مانند زبان، پدیده‌ای جهان‌شمول می‌باشد، در تمام جنبه‌های زندگی دخالت دارد و نیز تجویز کننده و پاسدار هنجارها و ارزش‌های اساسی در جامعه می‌باشد، در نتیجه عامل مهمی در مرزبندی بین جوامع و اقوام به شمار می‌آید. با توجه به چنین وضعیتی می‌توان دریافت که دین عامل مهمی در تشکیل، تقویت، تداوم و تنوع قومی می‌باشد. دین در شهر ارومیه مایه‌گونه‌گونی قومی و نیز عامل همبستگی بوده است. وجود اقلیت‌های مذهبی غیر مسلمان، چون ارومیه، آسوری‌ها، یهودی‌ها، زرتشتیان و مندایی‌ها و نیز انشعاب در بین مسلمانان و تقسیم آنها به شیعه و سنی و بالاخره انشعاب در بین شیعیان باعث تنوع قومی گردیده است. با این همه، دین اسلام همواره عامل همبستگی در بین اهالی شهر ارومیه بوده است. ادیان موجود در شهر ارومیه که در شکل ۱ نشان داده شده است عبارتند از: شیعه دوازده امامی، فرقه اهل حق، اهل سنت، مسیحیان و زرتشتیان (فصلنامه مطالعات ملی، ۱۳۸۰: ۲۱-۲۴).

شکل شماره ۲: وضعیت تقسیمات دینی در شهر ارومیه



## مبانی نظری و پیشینه تحقیق

به مجموعه‌ای از ویژگی‌های هویت بخش و ممیزهای مادی، فکری، عاطفی و روحی فرهنگ گویند که از الگوهای قابل انتقال در عرصه اندیشه و رفتار مانند ارزش‌ها، اعتقادات و آداب و رسوم - تشکیل شده است که موجب تنظیم روابط اجتماعی و انسجام جامعه

می گردد و نیز در فرایند توسعه و تکامل همه جانبه اجتماعی، نقش ایفا می کند (وصوقی منصور، ۱۳۸۶).

## هویت

در علوم اجتماعی مفهومی عام است که مقید به زمان و مکان معینی می باشد. اساسا در هم تنیدگی هویت و فرهنگ سبب ساز این محدودیت بوده و تنوع جوامع مختلف نیز از همین رو است لذا گفته می شود که هویت قومی، هویت ملی و در کل هویت هر گروهی برآمده از عناصر مادی و معنوی فرهنگ حاکم بر آن جمع است (هالوی، ۱۳۷۸: ۶۷). هویت در اصل «هو هویت» بوده و به معنی «این همانی» یا «اتحاد به ذات» است. اتحاد به ذات به معنی اتصاف و شناخته شدن و یکی بودن موصوف با صفات اصلی و جوهری مورد نظر است. زمانی که از هویت پدیده ای سخن به میان می آید، باید آن سخن طوری باشد که نشان دهد پدیده مزبور به راستی گویای هیات و ماهیت وجودی خویش است (الطائی، ۱۳۷۸: ۳۳). هویت در علوم اجتماعی بیشتر از دیدگاههای جامعه شناسی خرد، روانشناسی اجتماعی و به خصوص دیدگاه کنش متقابل نمادین و آرای دانشمندانی نظیر کولی<sup>۱</sup>، مید<sup>۲</sup>، روزنبرگ<sup>۳</sup> سرچشمه می گیرد و در دیدگاه اندیشمندانی مثل تاجفل<sup>۴</sup>، جان ترنر<sup>۵</sup>، پیتر بورک<sup>۶</sup>، مک کال<sup>۷</sup> و دیگران توسعه می یابد.

مید و کولی هر چند مستقیما از هویت و هویتهای اجتماعی بحث نمی کنند ولی دیدگاههایشان راجع به کلمات و عبارات «خود»، «خود آینه سان» و «دیگری تعمیم یافته» مقدمات بحث در مورد هویت را فراهم می کند. چنان که گفته شد، هویت به معنای کیستی است و در روانشناسی اجتماعی به کیستی فرد اشاره می کند و در جواب سوال «من کیستم؟» مطرح می شود. در پاسخ به این سوال، فرد باید شناختی از خود و تصویری از خویش داشته باشد و نیز بداند که دیگران در مورد او چه تصویری دارند، بر این اساس، می توان هویت

- 
- 1- Koly
  - 2- Meid
  - 3- Ruzenberg
  - 4- Tajfel
  - 5- John Turner
  - 6- Pieter Burk
  - 7- Mc Kale

را چنین تعریف کرد: هویت عبارت است از مجموعه خصوصیات و مشخصات فردی، اجتماعی، احساسات و اندیشه‌های مربوط به آنها که فرد آنها را از طریق توانایی کنش متقابل با خود و با یافتن تصوراتی از خود به دست می‌آورد و در جواب سوال «من کیستم؟» ارائه می‌دهد. هویت یک فرد می‌تواند فردی و جمعی باشد. هویت فردی به خصوصیات و مشخصاتی اشاره دارد که فرد به عنوان یک شخص منحصر به فرد و متفاوت از دیگر افراد جامعه، آنها را به خود منتسب می‌کند. در هویت فردی «من» در مقابل «دیگران» قرار می‌گیرد. هویت اجتماعی یک فرد به خصوصیات و مشخصات و تفکراتی اشاره می‌کند که فرد آنها را از طریق اشتراکات اجتماعی، عضویت در گروه‌ها و مقوله‌های اجتماعی کسب می‌کند. این گروه‌ها و مقوله‌ها شامل نژاد، مذهب، قومیت، ملیت، جنسیت و احزاب سیاسی می‌شود. زمانی که یک فرد عضو یک گروه می‌شود، یک سری خصوصیات و ویژگی‌هایی را از آن به دست می‌آورد که در بین گروه یا مقوله مورد نظر مشترک است. با گرفتن این خصوصیات، فرد نسبت به آن گروه احساس تعلق پیدا می‌کند. هویت اجتماعی یک فرد باعث ایجاد «ما» در برابر «آنها» می‌شود.

## نظریه‌های هویت اجتماعی

یکی از دیدگاه‌های معروف درباره هویت در بحث‌های جامعه‌شناختی، نظریه هویت اجتماعی است که توسط ترنر، هسلا<sup>۱</sup>، و رکیوتین<sup>۲</sup> و دیگران توسعه داده شده است. نظریه هویت اجتماعی در واقع دو نظریه مرتبط به هم ولی متفاوت است که شامل نظریه‌های هویت اجتماعی و خود مقوله بندی می‌شود. کانون نظریه هویت اجتماعی، به ارتباطات بین گروهی و خصوصاً سوگیری درون گروهی و کشمکش اجتماعی اشاره دارد. در صورتی که نظریه خود مقوله بندی بر گروه روانشناختی و فرآیندهای مرتبط با پیوستگی و تعاون و تاثیر پذیری اجتماعی بنیاد گرفته است (Haslam and Turner, ۲۰۰۱: p.۲۰). در واقع نظریه هویت اجتماعی در سطح گروهی، به روابط گروهها و چگونگی شکل گیری «ما» در مقابل «آنها» اشاره دارد، در حالی که نظریه خود مقوله بندی به چگونگی تعلق فرد به یک یا چند مقوله اجتماعی و یا گروه اشاره دارد. ولی هر دو نظریه در این تصور مشترک

1- Haslam

2- Workutin

هستند که رفتار افراد به صورت کیفی به وسیله تعریف از خودشان به عنوان عضوی از گروه شکل می گیرند. فرضیه اصلی تئوری مقوله بندی این است که هویت اجتماعی در بسیاری موارد قادر است مانع جهتگیری فرد به طرف هویت شخصی شود. ترنر با متمایز کردن هویت اجتماعی (تعریف خود از طریق عضویت در مقوله اجتماعی) و هویت شخصی (تشریح خود از طریق طرز تلقی ها و ایده های شخصی) یک نظریه هویت اجتماعی رفتار گروهی را مطرح کرد (Turner and Haslam, ۲۰۰۱: p.۳۲۱). مردم خودشان را با عضویت در مقوله اجتماعی مشترک، تعریف می کنند. در اینجا تاکید ادراکی به مشابهت های درون گروهی و تفاوت های برون گروهی، در ابعاد مختلف وجود دارد. مردم خودشان و دیگران را با مقوله بندی اجتماعی برجسته، کلیشه ای می کنند، که این کار به یک هویت ادراکی افزوده بین خود و اعضای درون گروه و برون گروه منجر می شود (Turner and Haslam, ۲۰۰۱: p.۳۲۱). طبق این دیدگاه، تصور از خود فرد، متمایل به غیر شخصی شدن است. افراد علاقه دارند که خودشان را کمتر به عنوان اشخاص فردی متفاوت و بیشتر به عنوان عضو مقوله های اجتماعی مشترک ببینند و تعریف کنند. برای مثال یک مرد علاقه دارد خود را به عنوان مرد در مقابل زن مقوله بندی کند. بنابراین او متمایل است که به مشابهت های دیگر مردان تاکید کرده و تفاوت های ادراکی خود از زنان را بالا ببرد. بنابراین تغییرات «خود»، «تصور از خود» و رفتار آن فرد در صورت و محتوا غیر شخصی می شود (Turner and Haslam, ۲۰۰۱: p.۳۳). نظریه مقوله بندی در صدد اثبات این قضیه است که افراد در بسیاری از مواقع سعی می کنند خود را با مشخصه های اجتماعی مقوله بندی کنند و نه شخصی.

این مقوله بندی فرد با مشخصه های اجتماعی باعث ایجاد درون گروه مشابه و برون گروه متفاوت می شود. قضیه کانونی نظریه فوق این است که مردم خودشان را بیشتر به عنوان عضو گروه های اجتماعی و کمتر به عنوان اشخاص فردی، بیشتر تحت هویت اجتماعی و کمتر تحت هویت شخصی مقوله بندی می کنند. تاجفل و دیگران استنباط می کنند که مقوله بندی (ادراک منحصر به فرد از اینکه افراد به یک گروه و نه به گروه دیگر تعلق دارند) به تنهایی و تحت موقعیت های معین، برای استنباط سوگیری بین گروهی، می تواند به طرفداری گروهی بیانجامد و متغیرهایی که مقوله بندی اجتماعی را برجسته می کنند در



تعیین سوگیری، از اهمیت خاصی برخوردارند (Turner and Haslam, ۲۰۰۱: p.۲۷). به نظر تاجفل (۱۹۷۸) مقوله بندی اجتماعی اجازه می دهد که درک کننده، محیط اجتماعی را به عنوان یک راهنمای عمل و مهمتر از آن یک سیستم جهت یابی برای خود ارجاعی و ارائه یک تعریف برای جایگاه افراد در جامعه به وجود بیاورد. این تعریف خود از طریق شناخت اعضای گروه اجتماعی، به وسیله تاجفل به عنوان هویت اجتماعی یک فرد تلقی شد که بخشی از تصور از خود افراد است و از دانش آنها نسبت به عضویت شان در یک گروه اجتماعی، که با یک ارزش و احساس پیوسته است، ناشی می شود. تاجفل درصدد اثبات آن بود که مردم برای ارزیابی مثبت از خود، برانگیخته می شوند، تا حدی که اگر با عضو شدن در یک گروه به تصور از خودشان معنی دهند، آنها از آن گروه نیز ارزیابی مثبتی خواهند داشت. به طور کلی نظریه هویت اجتماعی بر مقوله بندی اجتماعی استوار بوده و رفتار و تعلق گروهی را ناشی از آن می داند. مقوله بندی اجتماعی شرط کافی به وجود آمدن طرفداری از درون گروه در مقابل برون گروه است. طبق دیدگاه نظریه هویت اجتماعی، مقوله بندی در سطوح مختلف انتزاع وجود دارد. این نظریه بر این واقعیت تاکید می کند که مقوله بندی، یک فرآیند پویا و وابسته به متن است که به وسیله روابط مقایسه ای یک متن معین، تعیین می شود. در مقوله بندی همیشه تفاوت بین گروهی بیشتر از تفاوت درون گروهی است. برای مثال ممکن است افراد را در یک متن مقایسه ای بعنوان استرالیایی مقوله بندی کنیم. طبیعتا تفاوت های بین افراد استرالیایی کمتر از تفاوت های بین استرالیایی ها و آمریکایی ها است. تاکید روی مقوله بندی به عنوان متغیر وابسته به متن، وابستگی متنی تشابهات و تفاوت های مشاهده شده را نیز ایجاب می کند، زیرا این تشابهات و تفاوت ها از نتایج مقوله بندی است (Turner and Haslam, ۲۰۰۱: p.۳۴). افراد خود را در سطوح و لایه های مختلف اجتماعی مقوله بندی می کنند و این تغییر سطح مقوله بندی، باعث می شود که فرد آنچه را در یک لایه، خود و گروه خود، متفاوت از دیگران می بیند، در یک سطح دیگر به تشابهاتشان با آنها پی ببرد. از این مباحث می توان دو نتیجه گرفت؛ اولاً چون مقوله بندی در متن های اجتماعی مختلفی صورت می گیرد، فرد در هر متن اجتماعی یک هویت اجتماعی خاصی کسب می کند. بنابراین فرد دارای هویت های متنوعی می شود، بدون اینکه این هویت ها در تضاد با هم باشند. ثانياً تشکیل درون گروه در لایه های اجتماعی

مختلف بر اساس مقایسه با برون گروه‌های همان لایه اجتماعی صورت می‌گیرد. مثلاً وقتی فرد خود را از لحاظ قومی مقوله بندی می‌کند، تشکیل یک درون گروه قومی بر اساس مقایسه با اقوام دیگر به وجود می‌آید، نه لایه های اجتماعی بالاتر.

## هویت ملی و مولفه های آن

هویت ملی به عنوان یک پدیده اجتماعی و سیاسی، زاده عصر مدرن اروپا است که از قرن ۱۷ آغاز می‌شود. این مفهوم در اواخر قرن نوزدهم و مخصوصاً بعد از دو جنگ جهانی به کشورهای جهان سوم و تازه استقلال یافته راه پیدا کرده است. هویت ملی با شکل گیری ملت به معنای امروزی آن پدید آمد. واژه ملت در زبان فارسی دارای معانی مختلفی است. گاهی به معنای دین و گاهی به معنای پیروی کنندگان دین به کار می‌رود. این واژه در زبان فارسی معادل انگلیسی Nation است. Nation از واژه لاتینی Natio مشتق شده است. این واژه دلالت بر مردمانی دارد که از راه ولادت با همدیگر نسبت دارند و از یک قوم و قبیله اند. ولی این تعریف در جریان شکل گیری دولت - ملت های مدرن، تغییر یافته است زیرا حوادث تاریخی، مردمانی را که از اقوام گوناگون بوده اند گرد هم آورده و از آن یک ملت به وجود آورده است (اشرف، ۱۳۷۲، ص ۸)، بنابراین دیگر نمی‌توان ملت را بر مبنای نژاد و تبار شناسایی کرد، چون مللی چند نژادی و چند تباری به وجود آمده است. اندیشمندان و متفکران منشاء های مختلفی را برای ملت و تشکیل آن قائل هستند. به دلیل فوق تعاریف گوناگونی از ملت وجود دارد.

شلایر ماخر<sup>۱</sup> از ملت به عنوان نوعی تقسیم بندی طبیعی از نژاد انسان، که خداوند اخلاقیات خود را به آن اعطاء نموده، یاد می‌کند. او اعلام می‌دارد که سرنوشت هر ملتی اینگونه رقم خورده است که از طریق سازماندهی و مکان اختصاصی خود در جهان، وجهی از تصویر الهی را به نمایش گذارد (گیبیرنا، ۱۳۷۸، ص ۸۳). ارنست گلنر<sup>۲</sup> ملت و ناسیونالیسم را به عنوان نتیجه منطقی برخی از جنبه های مدرنیزاسیون تلقی می‌کند و معتقد است که این پدیده با ظهور جامعه صنعتی مرتبط است. گیدنز<sup>۳</sup> نیز ملت و ناسیونالیسم را به اواخر

1- Shelier Makher

2- Ernest Golner

3- Giednes

قرن هجدهم و بعد از آن نسبت می دهد. اندرسن<sup>۱</sup> نیز ادعا می کند که ملیت یا ملت بودن و ملی گرایی آثار باستانی فرهنگی هستند که هر دو در اواخر قرن هجدهم میلادی ایجاد شده اند (گیبیرنا، ۱۳۷۸: ۸۴). اوایل ۴ ملت را نه طبیعی می داند و نه کاملاً مدرن، بلکه آن را پدیده ای می داند که در طول تاریخ تکوین می یابد. او برای اثبات نظریه اش به چگونگی شکل گیری دولت ها در اروپای غربی پس از فروپاشی امپراتوری کارولین می پردازد (همان منبع، ص ۸۵). تعریف گیبیرنا از ملت چنین است: «ملت یک گروه انسانی است که از تشکیل اجتماع خود آگاه است که گذشته ای مشترک و طرحی برای آینده و ادعای حق حاکمیت بر خود را دارد. از این رو ملت شامل پنج بعد اصلی است: بعد روانشناسانه (آگاهی از تشکیل گروه)، بعد فرهنگی، بعد سرزمینی، بعد سیاسی و بعد تاریخی» (همان منبع، ص ۸۱). بر اساس تعریفی که از ملت ارائه شد، هویت ملی نیز به مشخصات و ویژگی هایی گفته می شود که یک جامعه را از جوامع دیگر متمایز می کند و در جامعه نوعی انسجام کلی ایجاد می کند. هویت ملی عبارت است از ویژگی هایی که ابعاد پنج گانه ملت، در هر جامعه خاص به خود می گیرد. به عنوان مثال، بعد روانشناختی مخصوص یک ملت، فرهنگ و آداب و رسوم متمایز از فرهنگ و ملل دیگر، سرزمین و قلمرو خاص یک ملت و نظام سیاسی و ویژگی ها و اتفاقات تاریخی یک ملت، هویت ملی آن ملت را تشکیل می دهد. در مورد مولفه های هویت ملی، اندیشمندان حوزه های مختلف علوم انسانی، دیدگاه های متفاوتی دارند. در حالی که در جغرافیا، «سرزمین مشترک» و تاریخ مشترک مولفه های اساسی هویت ملی تلقی می شوند. در علوم سیاسی تکیه را بر ساختار سیاسی مشترک، ملیت و یا جامعه مدنی بومی می گذرانند. در علوم اجتماعی زبان مشترک، دین مشترک و آداب و سنن مشترک را عناصر اصلی هویت ملی محسوب می کنند. در فلسفه بیشتر به وحدت فرهنگی و تاریخ مشترک تاکید می شود و در روانشناسی اجتماعی نیز به هویت «ما»، احساسات مشترک و آگاهی جمعی توجه می شود. در زیر به دیدگاههای چند محقق در مورد ابعاد و مولفه های هویت اشاره می شود. نادرپور (۱۳۷۳) پیوند های خاکی، خونی و فرهنگی را سه ستون اصلی کاخ ملیت می داند. به نظر وی، ستون پیوند های خاکی شامل تاریخ جغرافیا و دولت می شود. ستون پیوند های خونی از ریشه، نژاد، تبار، ترکیب می یابد و زبان ها، هنر ها، آداب

و رسوم عناصر سه گانه پیوندهای فرهنگی هستند. او در نهایت عامل زبان را که جزئی از پیوندهای فرهنگی است، و معتقد است که زبان با نیرو گرفتن از ترکیب پیوندهای سه گانه خاکی، خونی و نژادی؛ هویت ملی را می سازد (نادر پور، ۱۳۷۳: ۴۴۲-۴۲۱). افروغ (۱۳۸۰) هویت ملی را به تبع سطوح چهار گانه هویت، متشکل از چهار سطح می داند که عبارتند از: سطح جهان بینی و ایدئولوژی، سطح ارزش ها، سطح هنجارها و سطح نمادها. وی سطح جهان بینی و ایدئولوژیک را مهمترین بعد هویت ملی می داند. وی از دیدگاه فرهنگی به هویت ملی نگاه می کند و عامل اصلی هویت سازی ملی را عامل فرهنگی می داند. وی از دیدگاه هایی که مولفه اساسی هویت ملی را نژاد، خون و تبار می داند به شدت انتقاد می کند (افروغ، ۱۳۸۰: ۱۷). رواسانی (۱۳۸۰) با رد بنیاد های نژادی و خونی هویت ملی و همچنین قبول نکردن تکیه بر تنها بعد فرهنگی، ادعا می کند که مساله هویت، دارای بعد اقتصادی هم هست و نمی توان آن را صرفاً یک مساله یا مقوله پذیری فرهنگی و یا سیاسی دانست. او هویت ملی را ترکیبی از عناصر دینی، تاریخی و طبقاتی می داند (رواسانی، ۱۳۸۰: ۷). شیخاوندی (۱۳۸۰) نیز در بررسی مولفه های هویت ملی به عوامل همگرا یعنی عواملی که افراد و اعضای یک جامعه را به همدیگر پیوند می دهد، تاکید می کند. او عوامل همگرای فرهنگی سیاسی را تحت عناوین ذیل تقسیم بندی می کند. هم کشوری به مثابه عامل همگرایی وحدت سرزمین، هم زمانی (ساعت یکسان و مبدا تاریخی یکسان) به مثابه عامل همگرا، هم دولتی و هم قانونی مظهر تجلی برابری انتزاعی آماده ملت، هم زبانی و هم خطی، ملاط پیوند دهنده اقوام ایرانی، هم کیشی و هم آئینی، پول واحد عامل وحدت گرایی اقتصاد - فرهنگی، وحدت مقیاس های اندازه گیری، شناسنامه واحد شهروندان، پرچم و سرود ملی تجلی نمادین یگانگی ملی (شیخاوندی، ۱۳۸۰: ۶۵ - ۶۲). صدر (۱۳۷۷) هویت ملی را از دو جنبه بررسی می کند:

- ۱- جنبه سلبی: یعنی مقوله هایی که هویت ملی به آنها وابسته نیست و با تغییر و یا حذف آنها هویت ملی پا برجا می ماند.
  - ۲- جنبه ایجابی: که با تغییر یا حذف مقوله ها، هویت ملی یا از بین می رود یا خدشه دار می شود و یا تغییر ماهیت می دهد.
- به عبارت دیگر این عوامل اساس هویت ملی را تشکیل می دهند و به قرار زیر هستند:

سرزمین مشترک، حقوق و نهاد های مشترک، احساس روانشناختی مشترک در تعلق به منافع مشترک و در دفاع از آنها (صدر، ۱۳۷۷: ۷۰). صدر از جمله اندیشمندانی است که بسیار محتاطانه به هویت نگاه می کند. او به دلیل اینکه اکثر جوامع را جوامعی از لحاظ فرهنگی متنوع و متکثر می داند، در بررسی هویت ملی به عناصری اشاره می کند که این تنوع و تکثر حفظ شود و به عبارت دیگر عناصری ماورای این تنوع را به عنوان مولفه های هویت ملی انتخاب می کند و از بکار بردن مولفه هایی که جامع و مانع نیستند - مثل دین که مانع نیست و زبان که جامع نیست و زبان که جامع نیست - خودداری می کند.

در بررسی ابعاد و مولفه های هویت ملی باید چند نکته اساسی را در نظر گرفت. اول اینکه نمی توان تنها از یک مولفه به عنوان تنها مولفه هویت ملی صحبت کرد، بلکه هویت ملی تلفیقی از مولفه های گوناگون فوق می باشد و در بین ملل مختلف این ترکیب و تلفیق متفاوت است. دوم اینکه چون ما با ملت هایی روبرو هستیم که به طور کلی از لحاظ فرهنگی متکثر و متنوع هستند، مولفه های هویت ملی در جوامع مختلف می تواند کاملاً متفاوت باشد. مثلاً در کشور هایی که از لحاظ دینی و یا زبانی نوعی همگونی وجود دارد، یعنی همه افراد آن جامعه، از یک دین پیروی می کنند و یا به یک زبان صحبت می کنند، این دین یا زبان، می تواند یکی از مولفه های اصلی هویت ملی آن جامعه تلقی شود، زیرا موجبات پیوند افراد جامعه را فراهم می کند. ولی در جوامعی که از نظر دینی و زبانی نا همگون هستند و ادیان و زبان های مختلفی در بین اعضای آن جوامع رایج است، تاکید بر دین یا زبان به عنوان مولفه های هویت ملی علاوه بر اینکه نتایج مثبتی ندارد، انسجام و یکپارچگی جامعه را به خطر می اندازد. لذا در این گونه جوامع نمی توان دین و زبان را به عنوان مولفه های هویت ملی تلقی کرد. سومین نکته ای که باید توجه کرد این است که مولفه های هویتی در دوره های مختلف تاریخی تغییر می کند، هر چند این تغییر می تواند تغییری سطحی باشد نه بنیادی. با توجه به موارد فوق در این تحقیق برای اندازه گیری گرایش به هویت ملی که هر کدام از آنها، از گویه های چند تشکیل شده اند سود جستیم. مولفه های گرایش به هویت ملی شامل، گرایش به زبان و ادبیات، گرایش به میراث فرهنگی، وابستگی ملی، گرایش سیاسی و گرایش دینی می شود. وابستگی ملی به میزان علاقه فرد به ایران و ایرانی و تعهد و التزام عملی و نظری نسبت به آن است و گرایش سیاسی به میزان تعهد فرد در آگاهی به

مسائل سیاسی ملی روز و میزان مشارکت سیاسی که از شرکت در رای گیری تا شرکت عملی در سیاست تغییر می کند اشاره دارد.

## هویت قومی و مولفه های آن

هویت قومی یکی از انواع هویت جمعی است که به مجموعه ویژگی هایی اطلاق می شود که یک قوم را از اقوام دیگر متمایز می کند و بین اعضای قوم یک احساس تعلق به همدیگر ایجاد کرده و آنها را منسجم می کند. هویت قومی در سطح پایین تر از هویت ملی یا جامعه قرار دارد. هویت قومی با مفاهیم مترادف، همچون «گروه قومی» و «قومیت» در هم تنیده شده است، به طوری که بدون تعریف و شناسایی آنها درک هویت قومی نیز مشکل است. قومیت واژه ای است که به طور فزاینده از دهه ۱۹۶۰ تا کنون برای تفاوت های انسانی در حیطه فرهنگ، سنت، زبان، الگو های اجتماعی و تبار به کار برده می شود. واژه قوم (Ethnic) از واژه یونانی (Ethnos) به معنی ملت بوجود آمده است. در انگلیسی اولیه، کاربرد واژه Ethnic به تفاوت های فرهنگی ملت های مشترک بر می گردد. اشکرفت<sup>۱</sup> و همکارانش قومیت و گروه قومی را چنین تعریف می کنند:

«تجمعی در درون یک جامعه بزرگ با داشتن تبار مشترک واقعی یا مفروض (داشتن یک حافظه مشترک با سرچشمه ها یا تجارب تاریخی مانند استعمار، مهاجرت، تهاجم و یا بردگی) یک آگاهی مشترک از هویت قومی مجزاء و یک کانون و منبع فرهنگی در یک یا چند عنصرنمادین که به عنوان خلاصه ای از مردم بودن آنها تعریف شده است. این مشخصات، همواره نسبت به زمان و مکان معین که گروه قومی تجربه می کنند در یک ترکیب پویا خواهند بود (Ashcright, Griffiths and Tiffths, ۱۹۹۸: p. ۸۴).

مشخصه اصلی این تعریف، کارکرد عناصر نمادین است که ممکن است به یک معنی تعلق قومی را ایجاد کند. مثال هایی از برخی عناصر نمادین بدین قرارند: الگوهای خانواده، نزدیکی فیزیکی، پیوستگی مذهبی، اشکال زبانی یا گویشی، پیوستگی قبیله ای، ملیت، مشخصات فیزیکی، ارزشهای فرهنگی و فعالیت های فرهنگی مثل هنر و ادبیات موسیقی. در زمان ها و مکان های مختلف، ترکیب های مختلفی از این عناصر در تهیه یک معنی از

1- Ashcright

قومیت می تواند نقش داشته باشد. از منظر دیگر اریکسون عقیده دارد که تفاوت فرهنگی بین دو گروه مشخصه قطعی هویت نیست. دو گروه می توانند از لحاظ فرهنگی یکسان باشند ولی دو گروه متفاوتی را تشکیل داده باشند و بر عکس (Erikson, ۱۹۹۳: p. ۱۱).  
 برای به وجود آمدن گروه قومی، گروه، باید حداقلی از برخورد با دیگر اقوام را داشته باشد و اعضای گروه باید ایده های گروه های دیگر را به عنوان تفاوت های فرهنگی از سنت خودشان نگاه کنند. اگر این شرایط نباشد قومیت وجود ندارد. بنابراین قومیت یک ارتباط اجتماعی ویژه بین عاملانی است که خودشان را به لحاظ فرهنگی از اعضای گروه های دیگر که با آنها حداقلی از کنش متقابل منظم را دارند متفاوت می بینند. همچنین قومیت می تواند به عنوان هویت اجتماعی (ناشی از یک تمایز و تفاوت با دیگران) به وسیله خویشاوندان افسانه ای یا استعاری؛ تعریف شده باشد. گروه های قومی تمایل دارند که اسطوره هایی از سرچشمه مشترک داشته باشند (Erikson, ۱۹۹۳: p. ۱۲). استیفتون از دو عنصر نمادین و مادی قومیت بحث می کند و آنها را ناشی از زمینه های تباری و اجدادی و زبانی و فرهنگی می داند. او قومیت را یک نظام قشربندی می داند که در درون ساختارهای اقتصادی سیاسی و اعتقادات ساخت می یابد (Fenton, ۱۹۹۹: p. ۲۷). به نظر آنتونی اسمیت، قوم عبارت است از یک جمعیت انسانی مشخص با یک افسانه اجدادی مشترک، خاطرات مشترک، عناصر فرهنگی، پیوند با یک سرزمین تاریخی یا وطن و میزانی از منافع و مسئولیت. در این تعریف عناصر مهمی وجود دارند که باید تشریح شوند، اول اینکه جمعیت انسانی مشخص با یک نام از دیگران متمایز می شود. تا زمانی که یک هویت فرهنگی جمعی نام مناسبی دریافت نکند، تا حد زیادی از قابلیت شناسایی به عنوان اجتماع (هم توسط اعضا و هم توسط بیگانگان) محروم خواهد بود. دومین چیزی که مهم است نه میراث ژنتیکی بلکه عقیده یا افسانه نیاکان و اجداد مشترک است. این دو ممکن است که با هم تلاقی بیابند یا نیابند، اما مهم اعتقاد به حیاتی بودن توارث مادی و نه واقعیت آن است. قومیت درباره خون و یا ژن ها نیست بلکه افسانه ها و عقاید نژاد مشترک را شامل می شود.

نکته سوم اهمیت خاطرات تاریخی است. خاطرات قومی منابع التزام اخلاقی اعضا هستند. سنتهای انتخابی (از جمله افسانه ها) مربوط به گذشته می باشند که از نسلهای قبلی گرفته شده اند، گذشته ای که در آن حوادث و وقایع معین و مشخص به خاطر سپرده شده و بقیه به

فراموشی سپرده می شود. این نوع تاریخ برای درک و شعور تاریخ و مقصدی مشترک در جوامع قومی، یک منبع قوی خواهد بود. ویژگی چهارم، فرهنگ مشترک است که نسبت به موارد فوق متنوع تر است. این اجزاء فرهنگی شامل لباس، غذا، موسیقی، حرفه ها، معماری هم چنین مقررات، آداب و رسوم و نهادها می باشد. معمول ترین اجزای فرهنگ مشترک زبان و مذهب است. ویژگی پنجم، پیوند با سرزمین مشخص و معین است. آنچه که برای قومیت از اهمیت حیاتی برخوردار است، حس وابستگی به یک سرزمین حتی از مسافت و فاصله دور است. آخرین عنصر در تعریف هویت قومی همبستگی و وحدت منافع است.

هویت قومی از ترکیب متنوع مولفه های قومیت به وجود می آید و حتی در بسیاری از موارد، تنها یک مولفه متفاوت باعث ایجاد نوعی هویت قومی می شود. بنابراین در بین اقوام مختلف، مولفه های قومیت متفاوت است و در هر گروه قومی، هر یک از مولفه ها دارای درجات اهمیت متفاوتی هستند. آنچه جوانان آذری زبان ارومیه را از سایر ایرانیان متمایز می کند نه در لایه های زیرین هویت یعنی طرز تفکر و جهان بینی، بلکه لایه های روین آن یعنی نماد های کلامی و غیر کلامی مانند زبان و موسیقی نهفته است. براین اساس در این تحقیق برای اندازه گیری گرایش به هویت قومی جوانان آذری زبان شهر ارومیه از چند مولفه که هر کدام از آنها از گویه هایی چند تشکیل شده اند، سود جسته ایم. این مولفه ها شامل گرایش به زبان و ادبیات قومی (زبان ترکی)، گرایش به نمادهای غیر کلامی (موسیقی سنتی ترکی)، گرایش به تاریخ قومی و وابستگی قومی است. در ارتباط با پیشینه تحقیق می توان به پژوهش های زیر اشاره کرد. در تحقیقی تحت عنوان رابطه ایثار و از خود گذشتگی با هویت ملی و ابعاد آن در میان جوانان شیراز که در سال ۱۳۸۸ انجام شد و توسط پایگاه اطلاع رسانی ایثار و شهادت منتشر شد به وجود رابطه بین این متغیرها اشاره شده است. کجباف و هاتف نیا (۱۳۸۷) در تحقیق به بررسی رابطه بین هویت دینی و ملی دانشجویان با هویت دینی و ملی والدینشان پرداخته و وجود رابطه بین متغیرهای مورد بررسی را گزارش کرده اند. در تحقیق رومینا (۱۳۸۲) تحت عنوان پارادایمی نو در هویت ملی با تاکید بر پراکنش فضایی اقلیتها در ایران؛ بستر جغرافیایی واحد را به عنوان راهکاری جهت پیوند بین اقلیتها مطرح کرده که این بستر علاوه بر تمایز با سایر کشورها، تنوع و تکثر قومی را نیز داراست و این تنوع و تکثر، قوام دهنده هویت ملی ایران خواهد بود به طوریکه همه اقوام ساکن در ایران



در ایرانی بودن مشترکند؛ لذا جهت تقویت هویت ملی، هدف اصلی می‌بایست مبتنی به اشتراک سرزمین به عنوان تنها شاخصی که تمام اقوام در آن ساکنند باشد.

## روش‌شناسی تحقیق

روش پژوهش توصیفی - پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق شامل تمامی جوانان ۲۰ تا ۳۰ سال شهر ارومیه می‌باشد. بر اساس آمار اخذ شده از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی طبق سرشماری ۱۳۸۵، کل جمعیت این دوره سنی حدود ۱۳۹۷۶۸ نفر می‌باشد. از بین این تعداد با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۰ نفر به صورت تصادفی برای انجام تحقیق نمونه‌گیری شدند. ابزار اندازه‌گیری تحقیق، پرسشنامه با طیف لیکرت (از خیلی قوی با نمره پنج تا خیلی ضعیف با نمره یک) بوده که در بین جوانان (دختر و پسر) شهر ارومیه توزیع شده است و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ، ۰/۷۱ محاسبه شده و در حد قابل قبول گزارش شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم افزار SPSS و آزمونهای آماری کی دو، ضریب همبستگی پیرسون و آزمون T انجام شده است.

## یافته‌های تحقیق

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده می‌شود. چنانکه بیشتر آمد، میزان هویت ملی یا احساس تعلق و وفاداری و وابستگی افراد به اجتماع ملی و همچنین میزان هویت قومی یا احساس تعلق و وابستگی فرد به اجتماع محلی و قومی با استفاده از چند مولفه مورد سنجش قرار گرفتند که هر یک از این مولفه‌ها از چندین گویه تشکیل شده‌اند. جداول شماره‌های ۱ و ۲ به ترتیب گویه‌های مولفه‌های هویت ملی و هویت قومی را به نمایش گذاشته‌اند. نتایج نشان می‌دهند که به جز گویه‌های زبان و ادبیات ملی، ضرایب پایایی دیگر گویه‌ها در حد متوسط و اکثراً قوی هستند.

## آماره‌های هویت ملی و مولفه‌های آن

جدول شماره ۳ میزان گرایش پاسخگویان به هویت ملی و مولفه‌های آن را به نمایش گذاشته است که در آن میانگین، حداقل، حداکثر و انحراف معیار مولفه‌ها آمده است و

برای ایجاد امکان مقایسه بهتر، هر یک از مولفه‌ها به صورت رتبه‌ای مرتب شده‌اند. چنانکه در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود در بین مولفه‌های مختلف هویت ملی، قوی‌ترین گرایش مربوط به وابستگی ملی می‌باشد. ۸۴/۷ درصد از پاسخگویان گرایش قوی و خیلی قوی به این مولفه دارند. میانگین وابستگی ملی پاسخگویان (۱۲/۴۵) نیز با توجه به حداقل و حداکثر نمرات نشانگر قوی بودن این گرایش است. وابستگی ملی به میزان گرایش جوانان آذری زبان شهر ارومیه، به سایر اقوام ایرانی و عشق و علاقه آنان به سرزمین ایران و لزوم دفاع از آنان در برابر هجوم دشمنان و احساس غرور از ایرانی بودن را نزد فرد می‌رساند. نمرات موجود، نشانگر بالا بودن این نوع علاقه و احساسات در بین جوانان شهر ارومیه است. از طرف دیگر ضعیف‌ترین گرایش مربوط به مولفه زبان و ادبیات ملی (فارسی) می‌باشد. تنها ۲۶/۱ درصد پاسخگویان گرایش قوی و خیلی قوی به این مولفه دارند و این در حالی است که ۲۹/۴ درصد گرایش ضعیف و خیلی ضعیف به مولفه زبان و ادبیات ملی دارند. ضعف گرایش به زبان و ادبیات ملی به احتمال زیاد از دو علت ناشی می‌شود. اول اینکه زبان مهم‌ترین مولفه هویت در بین آذری‌های ایران است و فرد در طی فرآیند هویت‌یابی از طریق زبان به تشابهات درون‌گروهی و تفاوت‌هایش با بیرون‌گروه پی می‌برد و ارزیابی مثبتی از گروه خود و مولفه‌هایش به عمل می‌آورد و نسبت به بیرون‌گروه و مولفه‌هایش ارزیابی منفی دارد. از طرف دیگر به خاطر برنامه‌های همانندسازی در دوران پهلوی و عدم توجه به حقوق اقوام در آن دوران، زبان فارسی نه بعنوان زبان ملی و مشترک بلکه به عنوان زبان قوم مسلط تلقی شده و نگرش منفی نسبت بدان ایجاد شده است. دومین علت کمترین گرایش جوانان به زبان و ادبیات ملی؛ به ترجیح یک زبان بین‌المللی نسبت به زبان ملی از طرف جوانان برمی‌گردد.

جدول شماره ۱: ضریب پایایی مولفه های هویت ملی

ضریب پایایی	تعداد گویه ها	گویه ها	مولفه های هویت ملی
۰/۴۱۱	۵ گویه	<ul style="list-style-type: none"> <li>- لوازم یادگیری زبان فارسی به عنوان زبان مشترک</li> <li>- ترجیح زبان فارسی به زبان های دیگر جهان</li> <li>- آشنایی فرد با آثار جاویدان ادب فارسی</li> <li>- داشتن آثار فوق در منزل</li> <li>- میزان مطالعه آن آثار</li> </ul>	زبان و ادبیات ملی (زبان فارسی)
۰/۶۲	۶ گویه	<ul style="list-style-type: none"> <li>- علاقه و اعتقاد به مراسم ملی مثل عید نوروز و ...</li> <li>- علاقه به موسیقی سنتی</li> <li>- احترام به سرود و پرچم ملی</li> <li>- اهمیت شناخت تاریخ ایران</li> <li>- اهمیت نسبت به گذشته تاریخی</li> <li>- اهمیت مرمت آثار تاریخی</li> </ul>	میراث فرهنگی ملی
۰/۷۰	۷ گویه	<ul style="list-style-type: none"> <li>- آمادگی فرد برای دفاع از میهن</li> <li>- علاقه فرد به زندگی در ایران</li> <li>- اهمیت کلیت و یکپارچگی میهن نزد فرد</li> <li>- میزان درون فکری مشکلات کشور توسط فرد</li> <li>- اهمیت ایرانی بودن نزد فرد</li> <li>- میزان احساس غرور فرد از ایرانی بودن</li> <li>- علاقه فرد به رابطه با سایر ایرانیان</li> </ul>	وابستگی ملی
۰/۶۶	۷ گویه	<ul style="list-style-type: none"> <li>- اعتقاد فرد به وابستگی دین و سیاست</li> <li>- قبول دین اسلام به عنوان دین رسمی</li> <li>- اهمیت عناصر دینی در زندگی روزمره</li> <li>- ضرورت برپایی مراسم دینی</li> <li>- میزان مشارکت فرد در مراسم دینی</li> <li>- میزان داشتن کتب دینی در منزل</li> <li>- میزان مطالعه آنها</li> <li>- میزان تاثیر دین در رفتار انسان از نظر فرد</li> </ul>	گرایش دینی
۰/۶۶	۳ گویه	<ul style="list-style-type: none"> <li>- اهمیت آنچه به لحاظ سیاسی در کشور می گذرد</li> <li>- میزان دنبال کردن اخبار سیاسی روز توسط فرد</li> <li>- میزان مشارکت سیاسی فرد</li> </ul>	گرایش سیاسی
۰/۷۹	۵ مولفه	مولفه های پنجگانه هویت ملی	هویت ملی

جدول شماره ۲: ضریب روایی مولفه های هویت قومی

مؤلفه های هویت ملی	گویه ها	تعداد گویه ها	ضریب پایایی
زبان و ادبیات ترکی	- اهمیت یادگیری زبان ترکی از نظر فرد - ضرورت آموزش زبان ترکی در مدارس و دانشگاه ها - علاقه فرد به یادگیری زبان ترکی - آشنایی فرد با آثار مهم ادبیات ترکی - داشتن آثار فوق در منزل - میزان مطالعه آنها	۶ گویه	۰/۷۶
موسیقی ترکی (آذری)	- علاقه فرد به موسیقی ترکی - علاقه فرد به عاشیق ها به عنوان حافظان موسیقی سنتی - اهمیت دعوت از آنها در مراسم و اعیاد - میزان گوش دادن فرد به موسیقی سنتی - میزان اعتقاد به وجود تاریخ خاص قومی	۴ گویه	۰/۷۶
تاریخ قومی	- اهمیت شناخت و آگاهی از تاریخ ترکان ایرانی - میزان افتخار به تاریخ قومی - میزان آشنایی با نمادهای قوم ترک	۴ گویه	۰/۶۴
وابستگی قومی	- میزان علاقه فرد به ارتباط با هم زبانی های خود - میزان درون فکنی مشکلات ترک های ایران به عنوان مشکلات شخصی توسط فرد - اهمیت ترک بودن برای فرد - میزان احساس غرور فرد از ترک بودن خویش	۴ گویه	۰/۶۷
هویت قومی	مؤلفه های چهارگانه هویت قومی	۴ گویه	۰/۸۴

به جز میزان گرایش به مولفه زبان و ادبیات فارسی که در حد ضعیف بود، چنانکه در جدول شماره ۳ نیز مشاهده می شود، میزان گرایش به دیگر مولفه های هویت ملی در حد قوی است و بیشترین درصد فراوانی پاسخ ها مربوط به بالاترین رتبه های گرایش (قوی و خیلی قوی) می باشد و این امر حاکی از شدت گرایش و علاقه و وفاداری پاسخگویان به هر یک از مولفه های هویت ملی است. کمترین اختلاف نظر مربوط به گرایش سیاسی (با انحراف معیار ۱/۹۸) و بیشترین اختلاف نظر مربوط به وابستگی ملی (با انحراف معیار ۶/۲۱) می باشد. میانگین میزان هویت ملی پاسخگویان ۱۲۷/۲۲ می باشد که با توجه به حداقل و حداکثر نمرات پاسخگویان در حد قوی است. ۸۲/۹ درصد از پاسخگویان گرایشی قوی و خیلی قوی (به ترتیب ۶۶/۷ و ۱۶/۲) به هویت ملی دارند و تنها یک درصد گرایش ضعیف به هویت ملی دارند و گرایش خیلی ضعیف بدان در صفر است. در کل پاسخگویان ارزیابی مثبتی از مولفه های هویت ملی دارند. گرایش به هویت ملی آنان نیز با توجه به این مولفه ها قوی است. قوت میزان گرایش به هویت ملی نشان دهنده این است که جوانان ارومیه خود را به عنوان شهروند ایرانی می شناسند و هویت جامعه ای (ایرانی) بخشی از هویت اجتماعی و شخصیت کلی آنان را تشکیل می دهد.

مؤلفه های هویت ملی	میزان گرایش							انحراف معیار	
	خیلی قوی	قوی	متوسط	ضعیف	خیلی ضعیف	میانگین	حداقل		حداکثر
زبان ملی (فارسی)	۴	۲۲/۱	۴۴/۵	۲۶/۴	۳	۱۲/۴۵	۲	۲۳	۳/۳۷
میراث فرهنگی	۳۹/۶	۴۱/۷	۱۳/۹	۳/۹	۰/۸	۲۹/۶۱	۱۲	۳۷	۴/۷۳
وابستگی ملی	۴۹/۴	۳۵/۳	۱۲/۸	۲/۲	۰/۳	۴۱/۲۵	۱۶	۵۱	۶/۲۱
گرایش دینی	۳۴/۱	۴۴	۱۶/۳	۴/۴	۰/۹	۳۴/۳۷	۱۲	۴۴	۶
گرایش سیاسی	۵/۸	۳۱	۴۹/۳	۱۱/۵	۲/۵	۹/۶۵	۳	۱۵	۱/۹۸
هویت ملی	۱۶/۲	۶۶/۷	۱۶/۲	۱	۰	۱۲/۲۲	۷۵	۱۵۴	۱۴/۱۲

### آماره های توصیفی هویت قومی و مولفه های آن

آماره های توصیفی هویت قومی و مولفه های آن در جدول شماره ۴ آمده است. میزان مولفه های هویت قومی نیز به خاطر خصلت ترکیبی بودن آنها (ترکیبی از گویه های مختلف) در سطح فاصله ای اندازه گیری شده اند. میانگین، حداقل، حداکثر و انحراف معیار پاسخ ها براساس این نمرات در جدول شماره ۴ آمده است و سپس برای ایجاد توانایی مقایسه بهتر و بیشتر خوانندگان، نمرات از سطح فاصله ای به سطح رتبه ای تبدیل شده اند و درصد پاسخگویان در هر یک از سطوح آمده است. میانگین گرایش به زبان و ادبیات قومی (ترکی) در بین پاسخگویان در حدود ۱۸/۶۶ و در حد متوسط می باشد. حدود ۴۰/۳ درصد از پاسخگویان گرایشی متوسط به این مولفه دارند. این در حالی است که ۳۵/۷ درصد پاسخگویان گرایشی خیلی قوی و قوی (به ترتیب ۴/۴ و ۳۱/۳ درصد) و ۲۳/۹ درصد از آنان گرایشی خیلی ضعیف و ضعیف (به ترتیب ۴/۶ و ۱۹/۳ درصد) به این مولفه دارند. چنانکه گفته شد زبان یکی از مولفه های مهم هویت قومی آذری های ایران است و نتایج حاکی از آن است که پاسخگویان گرایشی متوسط به این مولفه دارند. عدم قوی بودن گرایش جوانان ارومیه به زبان و ادبیات ترکی احتمالاً به خاطر عدم آموزش آن زبان در نهادهای آموزشی رسمی و در نتیجه عدم آشنایی آنان با ادبیات این زبان است. از طرف دیگر چنانکه ملاحظه می شود، گرایش به زبان فارسی نیز در بین پاسخگویان ضعیف است؛ بنابراین ممکن است عامل دیگری نیز مانند گرایش به یک زبان بین المللی بر میزان گرایش جوانان به این مولفه ها تاثیر گذار باشد. پاسخگویان در بین مولفه های هویت قومی به مولفه تاریخ قومی و اعتقاد به وجود تاریخ خاص قومی به مولفه تاریخ قومی و اعتقاد به وجود تاریخ خاص قومی با

حوادث تاریخی و قهرمانان و اسطوره‌ها و نمادهای ویژه، بیشترین گرایش را دارند. ۸۷/۹ درصد آنان گرایشی قوی و خیلی قوی (به ترتیب ۳۵/۴ و ۵۲/۵ درصد) به تاریخ قومی دارند، در حالیکه ۶/۳ درصد از پاسخگویان گرایش ضعیف به این مولفه دارند و هیچ نمونه‌ای گرایش خیلی ضعیف به آن ندارد. این میزان نشان از آگاهی تاریخی پاسخگویان است. گرایش به وابستگی‌های قومی و علاقه به هم‌قومی‌های دیگر و احساس غرور از ترک بودن نیز، در بین پاسخگویان در حد قوی می‌باشد و حدود ۷۵/۲ درصد پاسخگویان گرایش قوی و خیلی قوی (به ترتیب ۲۹/۴ و ۴۹/۸ درصد) دارند. میانگین میزان هویت قومی در بین پاسخگویان ۶۰/۸۶ می‌باشد که با توجه به حداقل و حداکثر نمرات این گرایش در حد قوی است. نتایج رتبه‌ای نیز حاکی از آن است که ۷۸/۱ درصد از پاسخگویان گرایشی متوسط تا قوی (به ترتیب ۳۶/۶ و ۴۱/۵ درصد) به هویت قومی دارند و تنها ۱۰ درصد در حد خیلی زیاد و ۰/۹ درصد در حد خیلی کم به هویت قومی گرایش دارند.

نتایج توصیفی نشانگر این است که پاسخگویان هم به هویت ملی و هم به هویت قومی گرایش قوی دارند، هر چند که میزان این گرایش به مولفه‌های مختلف آن متفاوت است. به عبارت دیگر جوانان آذری زبان ارومیه این دو نوع هویت جمعی را در خود درونی کرده و به هر دوی آنها احساس تعلق خاطر و پایبندی دارند.

جدول شماره ۴: گرایش پاسخگویان به هویت قومی و مولفه‌های آن

آماره‌های مولفه‌های هویت قومی				میزان گرایش					مولفه‌های هویت قومی
انحراف معیار	حداکثر	حداقل	میانگین	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
۴/۸۶	۳۲	۶	۱۸/۶۶	۴/۶	۱۹/۳	۴۰/۳	۳۱/۳	۴/۴	زبان قومی (ترکی)
۴/۴۲	۲۰	۴	۱۲/۹۷	۱۶	۲۴/۹	۲۰/۹	۲۰/۹	۲۵/۱	موسیقی ترکی
۲/۳۱	۱۶	۶	۱۳/۳۳	۰	۳/۶	۸/۵	۲۵/۴	۵۲/۵	تاریخ قومی
۳/۲۶	۲۰	۴	۱۵/۷۱	۱/۱	۵/۹	۱۸	۲۹/۴	۴۵/۸	وابستگی قومی
۱۱/۵۷	۸۸	۲۴	۶۰/۸۶	۰/۹	۱۰/۷	۳۶/۶	۴۱/۵	۱۰/۴	هویت قومی

## رابطه هویت ملی با متغیرهای شناسایی

جداول شماره ۵ و ۶ نتایج آزمون تفاوت میانگین هویت ملی براساس متغیرهای شناسایی (جنسیت فرد، وضعیت تاهل، وضعیت اشتغال، نوع اشتغال و سطح سواد) را نشان می‌دهد. از نتایج جدول شماره ۵ چنین بر می‌آید که گرایش به هویت ملی در بین ۱۲۸ نفر پاسخگوی



زن ۱۳۰/۲۳ است در حالی که میزان در بین ۱۷۸ نفر پاسخگوی مرد ۱۲۵/۱۶ می باشد. این تفاوت میانگین با توجه به سطح معنی داری به دست آمده است و سطح معنی داری مورد نظر در علوم اجتماع ۰/۰۵ در نظر گرفته شده است. همچنین میانگین هویت ملی متاهلین و مجردین نیز متفاوت می باشد. این میزان در بین ۲۴۰ نفر مجرد، ۱۲۵/۳۷ می باشد در حالیکه در بین ۷۶ نفر متاهل، ۱۳۲/۲۸ است. این میزان تفاوت نیز معنی دار بوده و گرایش زیاد متاهلین به هویت ملی را نسبت به مجردین نشان می دهد.

انتظار می رفت که بین وضعیت شغلی، نوع شغل و سطح سواد و میزان گرایش به هویت ملی نیز رابطه معنی داری موجود باشد، اما واقعیت خلاف آن را به اثبات رساند. بدین معنی که بین سه متغیر فوق و میزان گرایش به هویت ملی رابطه معنی داری وجود نداشت و میانگین های پاسخگویان با توجه به خصوصیات فوق تفاوت معنی داری را نشان نداد.

جدول شماره ۵: آماره های هویت ملی به تفکیک جنسیت، تاهل و اشتغال

متغیر مستقل	تعداد	میانگین	انحراف معیار	اشتباه معیار	T	درجه آزادی	سطح معنی دار
جنسیت	مرد	۱۲۵/۱۶	۱۶/۰۶	۱/۱۷	۳/۱۸	۳۰۹/۵۳	۰/۰۰
	زن	۱۳۰/۲۳	۱۲/۲۰	۱/۷			
تاهل	متاهل	۱۲۵/۳۷	۱۵/۳۷	۰/۹۹	-۴/۰۲	۱۰۸/۰۸	۰/۰۰
	مجرد	۱۳۲/۲۸	۱۱/۳۳	۱/۳۲			
اشتغال	شاغل	۱۲۸/۴۰	۱۴/۹۴	۱/۷۱	-۰/۶۸۷	۳۱۰	۰/۴۶۱
	غیر شاغل	۱۲۶/۹۶	۱۴/۸۱	۰/۹۶			

جدول شماره ۶: آماره های هویت ملی به تفکیک سطح سواد و نوع شغل

متغیر	منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	کمیت F	F
سطح سواد	میان گروهی	۴	۶۱۴/۷۳	۱۵۳/۶۸	۰/۷۲۰	۰/۵۷۹
	درون گروهی	۲۸۲	۶۰۲۳۰/۲۵	۲۱۳/۵۸		
	کل	۲۸۶	۶۰۸۴۴/۹۹	-		
نوع شغل	میان گروهی	۴	۱۷۰۴/۸	۴۲۶/۲۲	۱/۹۸	۰/۱۰۶
	درون گروهی	۶۹	۱۴۷۹۹/۶	۲۱۴/۸۴		
	کل	۷۳	۱۶۵۰۴/۵	-		

## رابطه هویت قومی با متغیر های شناسایی

جداول شماره ۷ و ۸ آزمون تفاوت میانگین هویت قومی بر اساس وضعیت تاهل ، وضعیت اشتغال، نوع شغل و سطح سواد را نشان می دهد. چنانکه در جداول نیز مشاهده می شود، دو متغیر جنسیت و وضعیت اشتغال در میانگین گرایش به هویت قومی تاثیر معنی داری دارند. از نتایج جدول شماره ۷ چنین بر می آید که گرایش به هویت قومی در بین مردان بیشتر از زنان است. چنانکه می بینیم میانگین هویت قومی در بین ۲۰۳ نفر از پاسخگوی مرد ۶۲/۲۷ است در حالی که این میزان در بین ۱۴۴ نفر پاسخگوی زن ۵۸/۸۸ می باشد. با مقایسه جداول شماره ۵ و ۷ در این مورد ملاحظه می شود که مردان بیشتر به هویت قومی گرایش دارند در حالی که زنان به هویت ملی گرایش بیشتری دارند. میانگین هویت قومی در بین شاغلین که تعداد آنها ۸۰ نفر است به ۶۴/۲۸ می رسد در حالی که این میانگین در بین ۲۶۴ نفر غیر شاغل ۵۹/۸۹ است. بنابراین میانگین هویت قومی در بین شاغلین بیشتر از غیر شاغلین می باشد. وضعیت اشتغال در میزان گرایش به هویت ملی تاثیر معنی دار نداشت، اما در میزان گرایش به هویت قومی تاثیر معنی دار دارد. بین وضعیت تاهل، سطح سواد و نوع شغل و میزان گرایش به هویت قومی تفاوت معنی داری مشاهده نشد.

جدول شماره ۷: آماره های هویت قومی به تفکیک جنسیت، تاهل و اشتغال

سطح معنی دار	درجه آزادی	T	اشتباه معیار	انحراف معیار	میانگین	تعداد	متغیر مستقل	
							جنسیت	تاهل
.	۳۴۵	-۲/۷۰۷	۰/۸۱۷	۱۱/۶۳	۶۲/۲۷	۲۰۳	مرد	جنسیت
			۰/۹۳۵	۱۱/۲۲	۵۸/۸۸	۱۴۴	زن	
۰/۰۷	۱۶۴/۲۳	-۱/۸۰	۰/۷۴۳	۱۲۸/۰۸	۶۰/۳۲	۲۶۴	متاهل	تاهل
			۱/۰۷	۹/۶۳	۶۲/۶۷	۸۱	مجرد	
.	۳۴۲	-۳/۰۰	۱/۱۸	۱۰/۵۸	۶۴/۲۸	۸۰	شاغل	اشتغال
			۰/۷۲	۱۱/۷۰	۵۹/۸۹	۲۶۴	غیر شاغل	



جدول شماره ۸: آماره های هویت قومی به تفکیک سطح سواد و نوع شغل

متغیر	منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	کمیت F	F
سطح سواد	میان گروهی	۴	۱۱۶۵/۳۱	۲۹۱/۳۲	۰/۰۶	۲۹/۲
	درون گروهی	۳۱۱	۳۹۴۵۵/۵	۱۲۶/۸۶		
	کل	۳۱۵	۴۰۶۲۰/۸	-		
نوع شغل	میان گروهی	۴	۴۲۷/۹۱	۱۰/۹۷	۰/۴۴۹	۰/۹۳
	درون گروهی	۷۳	۸۳۵۸/۹	۱۱۴/۵۰		
	کل	۷۷	۸۷۸۶/۸	-		

### رابطه مولفه های هویت قومی با هویت ملی

جدول شماره ۹ روابط مولفه های هویت ملی و قومی با همدیگر را نشان می دهد. از آنجایی که تمام مولفه های فوق در سطح فاصله ای اندازه گیری شده اند، مناسب ترین آزمون آماری برای بررسی ارتباط بین آنها آزمون ضریب همبستگی پیرسون می باشد. نتایج جدول مذکور حاکی از آن است که بین میزان گرایش به زبان و ادبیات قومی و همچنین گرایش به تاریخ قومی و میزان هویت ملی پاسخگویان رابطه مثبت معنی داری وجود دارد، یعنی با افزایش میزان گرایش به زبان و ادبیات ترکی و تاریخ قومی، میزان گرایش به هویت ملی نیز افزایش می یابد. اما بین گرایش به موسیقی قومی (آذری) و وابستگی قومی و میزان گرایش به هویت ملی رابطه معنی دار وجود ندارد.

زبان و تاریخ قومی از مولفه های اساسی قومی جوانان ارومیه محسوب می شود. نتایج نشان می دهد با آنکه گرایش به این دو مولفه در بین پاسخگویان در حد قوی است اما در مقابل هویت ملی قرار نمی گیرد؛ بنابراین آنان به احتمال زیاد این نوع عناصر هویتی را در سطحی پایین تر از لایه ملی یعنی در سطح لایه قوی و مقایسه با اقوام دیگر ایرانی برجسته می کنند.

### رابطه مولفه های هویت ملی با هویت قومی

نتایج جدول شماره ۹ نشان می دهد که بین گرایش به زبان فارسی و وابستگی ملی و میزان هویت قومی رابطه معنی داری وجود ندارد. اما بین گرایش به میراث فرهنگی ملی، گرایش دینی و گرایش سیاسی افراد با میزان هویت قومی آنان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد و هر چه بر میزان گرایش پاسخگویان به مولفه های فوق افزوده می شود، گرایش به

هویت قومی نیز افزایش می‌یابد. از آنجا که عناصر هویت ملی مخصوصاً گرایش‌های دینی و میراث فرهنگی ملی و وابستگی ملی از خصوصیات و دارایی‌های مشترک تمام ایرانیان محسوب می‌شوند، این خصوصیات در کل باعث احساس غرور همه آنان می‌شوند و افتخارات آنها برای تمام ایرانیان است نه به قوم یا اقوام خاص. بنابراین در مقابل هویت قومی قرار نمی‌گیرند. نتایج تحقیق حاضر نیز علاوه بر اینکه نشانگر این قضیه است، نتایج مثبت برخی از آن مولفه‌ها را بر هویت قومی نشان می‌دهد.

### رابطه بین مولفه‌های هویت ملی و مولفه‌های هویت قومی

جدول شماره ۹ اطلاعات مربوط به ضرایب همبستگی مولفه‌های هویت ملی و قومی را به نمایش می‌گذارد. در اینجا به تفسیر خلاصه جدول فوق می‌پردازیم. چنانکه مشاهده می‌کنیم بین زبان و ادبیات ملی و مولفه‌های هویت قومی تنها یک همبستگی مثبت معنی‌دار وجود دارد و آن رابطه این متغیر با زبان و ادبیات قومی است که رابطه‌ای مثبت ولی ضعیف می‌باشد. بین زبان و ادبیات ملی و وابستگی قومی و تمامی مولفه‌های هویت قومی همبستگی مثبت و ضعیف معنی‌دار وجود دارد. میزان همبستگی میراث فرهنگی ملی با زبان و ادبیات قومی ۰/۱۹۱، موسیقی قومی ۰/۱۳۴، تاریخ قومی ۰/۲۷۲ و وابستگی قومی ۰/۱۵۸ می‌باشد. بین وابستگی ملی و مولفه‌های هویت قومی نیز تنها یک مورد معنی‌دار وجود دارد و آن هم همبستگی بین وابستگی ملی و تاریخ قومی است که یک رابطه مثبت اما ضعیفی بین این دو متغیر وجود دارد. بین نگرش دینی و مولفه‌های هویت قومی رابطه معنی‌دار مشاهده نشد. بین نگرش سیاسی و مولفه‌های هویت قومی سه مورد معنی‌دار وجود دارد. بین نگرش سیاسی و زبان و ادبیات قومی، تاریخ قومی و وابستگی قومی رابطه مثبت و ضعیف معنی‌داری وجود دارد. میزان این رابطه برای هر کدام از مولفه‌های فوق به ترتیب ۰/۱۴۷، ۰/۱۷۰، ۰/۱۰۹ می‌باشد. بررسی روابط بین مولفه‌های هویت ملی و مولفه‌های هویت قومی نشان می‌دهد که بین این مولفه‌ها نیز رابطه منفی وجود ندارد و تنها یک مورد رابطه منفی هست، آن هم رابطه بین زبان و ادبیات ملی و وابستگی قومی است که میزان این رابطه بسیار ضعیف می‌باشد. از این بررسی نیز می‌توان به این نتیجه رسید که افراد بین هویت ملی و قومی خودشان تناقض درک نمی‌کنند و این قضیه در مورد آن مولفه‌هایی نیز صادق است که افراد به وسیله آنها



به تشابهات و تفاوت های درون گروهی و برون گروهی در دو لایه مختلف اجتماعی (لایه ملی و لایه جامعه قومی) پی می برند.

### رابطه هویت ملی با هویت قومی

یافته های تحقیق حاکی از آن است که در بین ۳۵۰ نفر از پاسخگویانی که دارای پاسخ های معتبر هستند، ضریب همبستگی بین دو متغیر هویت ملی و هویت قومی برابر با  $R = ۰/۱۶۱$  محاسبه شده است. بنابراین بین میزان هویت ملی و هویت قومی رابطه مثبت معنی داری وجود دارد، هر چند شدت این رابطه ضعیف است. در کل از بررسی روابط هویت ملی و مولفه هایش با هویت قومی و مولفه های آن به این نتیجه حاصل می شود که با افزایش هویت قومی، میزان هویت ملی نیز افزایش می یابد و برعکس با افزایش میزان هویت ملی بر میزان گرایش به هویت قومی افزوده می شود. چنانکه قبلاً نیز اشاره شد فرد در طی فرآیند جامعه پذیری هویت های جمعی گوناگونی را تجربه می کند هویت ملی و هویت قومی دو نوع هویت جمعی هستند که فرد آنها را درونی می کند. او بین هویت هایی که درونی کرده است، تناقضی احساس نمی کند، بلکه از آنها به عنوان بسته های اطلاعاتی در موقعیت های کنشی مقتضی سود می جوید.

جدول شماره ۹: همبستگی مولفه های هویت ملی و هویت قومی

موسیقی ترکی	زبان ترکی	هویت ملی	گرایش دینی	گرایش سیاسی	وابستگی ملی	میراث فرهنگی ملی	زبان ملی	
							۱ ۰ ۳۷۱	زبان ملی
						۱ ۰ ۳۶۱	۰/۱۳۹ ۰/۴۰۰ ۳۵۵	میراث فرهنگی ملی
					۱ ۰ ۳۶۰	۰/۴۵۷ ۰ ۳۴۷	۰/۰۸۴ ۰/۰۵ ۳۵۴	وابستگی ملی
				۱ ۰ ۳۶۵	۰/۰۶۸ ۰/۱۰ ۳۵۲	۰/۱۳۱ ۰ ۳۴۷	۰/۱۳۵ ۰ ۳۵۹	گرایش سیاسی
			۱ ۰ ۳۴۳	۰/۰۵۸ ۰/۱۴ ۳۳۶	۰/۵۱۲ ۰ ۳۳۲	۰/۳۵۶ ۰ ۳۳۰	۰/۰۴۱ ۰/۲۲ ۳۲۷	گرایش دینی
		۱ ۰ ۳۱۵	۰/۷۵۲ ۰ ۳۱۵	۰/۲۶۲ ۰ ۳۱۵	۰/۸۲۳ ۰ ۳۱۵	۰/۷۱۱ ۰ ۳۱۵	۰/۳۵۰ ۰ ۳۱۵	هویت ملی
	۱ ۰ ۳۶۹	۰/۱۸۱ ۰ ۳۰۸	۰/۱۰۷ ۰/۰۲۵ ۳۳۳	۰/۱۴۷ ۰ ۳۵۷	۰/۰۶۰ ۰/۱۳۲ ۳۵۲	۰/۱۹۱ ۰ ۳۵۱	۰/۱۳۰ ۰ ۳۶۱	زبان ترکی
۱ ۰ ۳۷۴	۰/۴۵۷ ۰ ۳۶۴	۰/۰۱۹ ۰/۰۳۷ ۳۱۰	-۰/۰۱۱ ۰/۴۱ ۳۳۸	۰/۰۹۶ ۰/۰۳ ۳۶۰	-۰/۰۱۲ ۰/۴۱ ۳۵۵	۰/۱۳۴ ۰ ۳۵۶	-۰/۰۹۳ ۰/۰۲ ۳۶۶	موسیقی ترکی
۰/۳۶۸ ۰ ۳۶۰	۰/۵۳۰ ۰ ۳۵۴	۰/۱۹۷ ۰/۰۹۷ ۳۰۵	۰/۱۲۲ ۰/۱۰۱ ۳۳۲	۰/۱۷۰ ۰ ۳۵۱	۰/۱۴۷ ۰ ۳۴۸	۰/۲۷۲ ۰ ۳۴۷	-۰/۰۸۵ ۰/۰۵ ۳۵۶	تاریخ قومی
۰/۳۹۵ ۰ ۳۶۹	۰/۵۳۴ ۰ ۳۶۴	۰/۰۹۷ ۰/۰۴ ۳۱۳	۰/۰۸۳ ۰/۰۶ ۳۴۰	۰/۱۰۹ ۰/۰۱ ۳۶۱	۰/۰۶۶ ۰/۱۰ ۳۵۶	۰/۱۵۸ ۰ ۳۵۵	۰/۱۶۵۳ ۰ ۳۶۵	وابستگی قومی
۰/۷۵۱ ۰ ۳۴۷	۰/۸۴۹ ۰ ۳۴۷	۰/۱۶۱ ۰ ۳۵۰	۰/۱۰۷ ۰/۰۲ ۳۱۷	۰/۱۵۷ ۰ ۳۳۷	۰/۰۷۴ ۰/۰۰۸ ۳۳۴	۰/۲۴۹ ۰ ۳۳۰	-۰/۰۲۲ ۰/۲۴ ۳۳۹	هویت قومی

جدول شماره ۱۰: همبستگی بین تاریخ، وابستگی و هویت قومی با هم

هویت قومی	وابستگی قومی	تاریخ قومی	
		۱ ۰ ۳۶۰	تاریخ قومی
	۱ ۰ ۳۷۳	۰/۶۶۰۹ ۰ ۳۵۹	وابستگی قومی
۱ ۰ ۳۴۷	۰/۷۶۲ ۰ ۳۴۷	۰/۷۲۲ ۰ ۳۴۷	هویت قومی

## خلاصه و نتیجه گیری

مطالعه تاریخ سده اخیر نشان می دهد که آذربایجانیان ایران به رغم تفاوت زبان گفتاری آنان با دیگر ایرانیان، پیوسته نه تنها خود را عمیقاً ایرانی دانسته اند بلکه به مصداق (آذربایجان

سر ایران است) در ایرانی گری و حراست از مرزهای جغرافیایی و فرهنگی - هویتی ایران در بسیاری از برهه ها گوی سبقت را پیش گرفته اند. نتایج نظری این تحقیق در دو بخش قابل بررسی می باشد، نتایج تحقیق در مورد تئوری هویت اجتماعی و نیز رابطه هویت های گوناگون افراد با همدیگر به طور عام و رابطه هویت ملی و هویت قومی یک فرد با همدیگر به طور خاص.

نتایج تحقیق در مورد تئوری هویت اجتماعی: این دیدگاه نظریه پردازان؛ هویت اجتماعی را که افراد در طی فرایند جامعه پذیری از طریق شناخت یک سری تشابهات درون گروهی و تفاوت های برون گروهی به هویت اجتماعی دست پیدا می کنند، اثبات می کند. همچنین افراد با پی بردن و شناختن هویت اجتماعی خویش، از یک طرف از تشابهاتی که باعث ایجاد درون گروه در لایه اجتماعی خاص می شود، ارزیابی مثبت می کنند و از طرف دیگر نسبت به افراد درون گروه نگاهی جانب دارانه دارند. این بررسی ثابت کرد که افراد قادرند هویت های جمعی زیادی را درونی کنند و به همین علت در موقعیت های کنشی مختلف دارای تصور از خود متفاوتی هستند. درونی کردن هویت های گوناگون اجتماعی، انعطاف پذیری رفتاری افراد را در موقعیت های کنشی مختلف و محیط های اجتماعی مختلف بیشتر می کند. افراد از هویت های اجتماعی گوناگون به عنوان بسته های اطلاعاتی، در موقعیت های مقتضی سود می جویند.

به عبارت دیگر افراد دارای نوعی استراتژی های هویتی هستند که در موقعیتی، از استراتژی هویتی مخصوص به آن استفاده می کنند و به همین علت است که فرد هم یک ترک زبان متعصب است و هم ایرانی، در عین هم رفته بودن با همکلاسی اش برخلاف او سنی مذهب است و عضو حزبی غیر از حزب هم کلویی هایش می باشد.

در مورد رابطه هویت ملی و قومی، این تحقیق نشان داد که جوانان آذری زبان شهر ارومیه، دارای گرایش قوی به هویت ملی هستند و در عین حال به هویت قومی نیز گرایش دارند. این بررسی ثابت کرد که بین هویت ملی و هویت قومی نه تنها رابطه منفی وجود ندارد بلکه رابطه مثبتی نیز بین این دو نوع هویت جمعی وجود دارد و با افزایش میزان هویت قومی بر میزان گرایش افراد به هویت ملی افزوده می شود. بنابراین دو نوع هویت جمعی ملی و قومی نه در مقابل هم، بلکه در کنار هم قرار دارند.

چنانکه از مباحث نظری و یافته های تحقیق بر می آید هویت ملی و هویت قومی رابطه معکوس نسبت به یکدیگر ندارند، در نتیجه برنامه ریزی و سیاست گذاری در جهت همانند سازی در نقشی در تقویت هویت ملی نخواهد داشت بلکه توجه و عنایت به حقوق اقوام و صیانت از هویت قومی آنان، میزان هویت ملی نیز افزایش می دهد و رضایتمندی بیشتر اقوام را موجب می شود.

## پیشنهادات و راهکارها

شهر ارومیه یک شهر چند اقلیتی، مرکب از ترکها و کردها؛ ارمنی ها و غیره می باشد که هر کدام با هویت های قومیتی جداگانه در محدوده این شهرستان ساکن هستند و علاوه بر شاخصه قومیتی، دارای مذاهب مختلفی نیز می باشند، لذا در این راستا می توان پیشنهاداتی با توجه به یافته های تحقیق حاضر به شرح ذیل ارائه داد:

- شناساندن مفاخر و شخصیت های برجسته تاریخی و معاصر متعلق به مناطق پیرامونی ایران و مطرح ساختن آنها در سطح ملی و حتی بین المللی و تقدیر و گرامیداشت آنها؛ که در صورت محقق شدن این امر، احساس ایرانی بودن و هویت واحد در وجود آنها تقویت خواهد شد.

- برقراری عدالت اجتماعی در کشور و استان ها؛ ایجاد توازن نسبی میان بخشهای هویتی (ملی - قومی) و گسترش فرهنگ مشارکتی.

- تقویت روحیه تعامل و همزیستی در بین جوانان آذری زبان.

- افزایش مناسبات و مبادلات فرهنگی اجتماعی و اقتصادی میان اقوام مختلف استان.

- کمک به پیشبرد سیاست های ملی و افزایش سطح مشارکت اجتماعی و ایجاد شرایط

مناسب برای هویت های قومیتی.

- آموزش خانواده ها از طریق آگاه کردن به هویت های ملی

## منابع

- ۱- اسمیت، آنتونی (۱۳۷۷)، منابع قومی ناسیونالیسم، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال اول، پیش شماره اول.
- ۲- اشرف، احمد (۱۳۷۲)، هویت ایرانی، گفت و گو، سال اول، شماره ۲.
- ۳- افروغ، عماد (۱۳۷۹)، فرهنگ شناسی و حقوق فرهنگی، تهران: انتشارات فرهنگ و دانش.
- ۴- الطائی، علی (۱۳۷۸)، بحران هویت قومی در ایران، تهران: نشر شادگان.
- ۵- رواسانی، شاپور (۱۳۸۰)، زمینه های اجتماعی هویت ملی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- ۶- شیخاوندی، داور (۱۳۸۰)، ناسیونالیسم و هویت ایرانی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- ۷- صدر، ضیاء (۱۳۷۷)، کثرت قومی و هویت ملی ایرانیان، تهران اندیشه نو.
- ۸- گبیرنا، م. (۱۳۷۸)، مکاتب ناسیونالیسم، ترجمه امیر مسعود اجتهادی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۹- میر محمدی، داود (۱۳۷۴)، مطالعه و بررسی مولفه های بارز هویت فرهنگی و قومی مردم بلوچ نسبت و رابطه آن با هویت و فرهنگ ملی شهرستان زاهدان، پایانامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۰- نادرپور، نادر (۱۳۷۳)، ایرانیان یکه سواران دوگانه، ایران نامه، سال ۱۲، شماره ۳.
- ۱۱- هالوی ایو اتزیونی (۱۳۷۸)، روشنفکران و شکست در پیامبری زیر نظر تی بی باتامور، ترجمه حسن کچویان، تهران، موسسه فرهنگی و انتشاراتی تبیان.
- ۱۲- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۸۰)، نگاهی به آذربایجان غربی، تهران: موسسه انتشاراتی و آموزشی نسل دانش.
- ۱۳- امان اللهی بهاروند، اسکندر (۱۳۸۰)، فصلنامه مطالعات ملی، تهران: صاحب کوثر.
- ۱۴- هاتف نیا، فاطمه؛ احدی، حسن و کجیاف، حسین (۱۳۸۷)، رابطه بین هویت دینی و ملی دانشجویان با هویت دینی و ملی والدینشان، روزنامه آفرینش.

15- Ashcreft ,B. and Griffiths, G. and Tiffin H. (1998) .Key Concepts in Post Colonial Studies, London: Routledge.

16- Eriksen, Thomas H. (1993), Ethnecity and Nathionalisim, London: Pluto press.

17- Fenton ,Steve (1999), Ethnicity, Racism, Class and Culture, London: Macmillan press.

18- Turner, C. and Haslam, S. (2001), Social Identity, Organization and Leadership, in: E. Turner, Group at Work, London: Lawrence Erlbaum Associates publishers.

فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی



۲۱

فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی

Archive of SID